

یکی از مهم‌ترین اولویت‌های فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، هوشمندسازی مرزبانی است. تا جایی که تجهیز یگان‌های مرزی به امکانات اپتیکی و الکترونیکی جهت کنترل و مراقبت هوشمند از مرزها به صورت ویژه در دستورکار این فرماندهی قرار دارد و در این زمینه گام‌های خوبی برداشته شده است. سردار احمدعلی گودرزی، فرمانده مرزبانی ناجا با اعلام این موضوع می‌گوید: «مرزبانی پیشگام در حوزه هوشمندسازی مرزهاست. البته مرزبانی هوشمند فقط یک شعار نیست بلکه راهبرد مرزبانی بوده و لازمه تحقق آن دقت زیاد، سرعت بالا، اشراق کامل و هوشیاری در مأموریت‌ها است. اگر بتوانیم با برنامه‌ریزی دقیق و به‌کارگیری نخگان در راستای هوشمندسازی مرزبانی اقدام کنیم، قطعاً تحول بزرگی را در مجموعه مرزبانی به وجود خواهیم آورد.» سردار گودرزی طرح‌های کلیدی هوشمندسازی را طراحی زیرساختی،

توسعه درگاه‌های تعاملی، مدیریت داده‌ها و تأمین تجهیزات هوشمند مطرح می‌کند و می‌افزاید: «با استفاده از این طرح‌ها، به یک درگاه دوسویه تعاملی با سایر نهادها دست می‌یابیم.» سردار گودرزی هوشمندسازی مرزها را از جمله اقدامات جوانان داخل کشور در مجموعه وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح دانسته و می‌افزاید: «ساختار هوشمندسازی مرزها نیز هم‌زمان با تهیه و تدارک تجهیزات لازم در حال انجام است که با این ساختار و تربیت نیروی انسانی متخصص و فنی، مرزهای کشور به سمت ثبات بیشتری پیش می‌رود.» فرمانده مرزبانی فراجا همچنین با اشاره به آخرین شرایط دیپلماسی مرزی با کشورهای همسایه می‌افزاید: «دیپلماسی مرزی با کشورهای همسایه در نهایت هماهنگی و هم‌افزایی با این کشورها قرار دارد.»



گفت‌وگو با نویسنده و رزمنده‌ای که خاطر آتش از حضور در مرز ارومیه را کتاب کرده است

سیلوانا، پاسداری از مرزها در برف و سرما

بعد از حماسه خان طومان در فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۵ که توسط شیر مردان مازندران برای دفاع از حرم اهل بیت (ع) به وقوع پیوست، در بهار سال ۱۳۹۶ لشکر ۲۵ کر بلا در مأموریت جدید خود عازم آذربایجان غربی و نقطه صفر مرزی ایران و ترکیه به نام «سیلوانا» شد که تا پایان سال ۱۳۹۷ این مأموریت ادامه پیدا کرد. مصیب مصومیان که خود از مدافعان حرم در خان طومان سوریه بود در این مأموریت همراه می‌شود. او که پیش‌تر با نگارش کتاب‌های شهدای مدافع حرم و خان طومان شناخته شده است از همان آغاز سفر تصمیم می‌گیرد تا لحظات ناب این مأموریت را ثبت کند. این کتاب روایتی متفاوت و طنز از خاطرات رزمندگان مرزبانی است که خوانش صحبت‌های نویسنده این کتاب خالی از لطف نیست. ناگفته نماند این نویسنده که خود از یادگاران دفاع مقدس است بیش از ۲۰ کتاب در حوزه دفاع مقدس منتشر کرده است.

چه شد که سر از مرز ارومیه در آوردید؟

۴ سال توفیق حضور در جبهه را داشتیم و بعد از آن با لشکر ۲۵ کر بلا در مناطق مختلف خدمت می‌کردیم. چند سالی هم در سوریه به عنوان مدافع حرم توفیق خدمت به آل الله را داشتیم. بعد از حماسه خان طومان بچه‌های لشکر ۲۵ کر بلا در مأموریت جدید خود می‌خواستند به نقطه صفر مرزی ایران و ترکیه بروند. من آن زمان باز نشسته شده بودم اما اصرار کردم که اجازه حضور به من بدهند. از بهار سال ۱۳۹۶ تا پاییز سال ۱۳۹۷ این مأموریت ادامه پیدا کرد. البته من نزدیک به ۲ هفته در این منطقه کنار مرزبانان بودم و تجربه متفاوتی از خدمت برای من رقم خورد.

از تجربیات و حس و حال حضورتان در مرز برای ما بگویید.

اغلب ما از داشتن نعمت بزرگ امنیت بی‌خبریم. در شهر و دیار خود کنار عزیزان خود، خوش و خرم زندگی می‌کنیم و خبر نداریم در گوشه و کنار این سرزمین چه افرادی با سختی از مرزهای وطن پاسداری می‌کنند. من تازمانی که به این مأموریت نرفته بودم شرایط سخت کاری آنها را درک نمی‌کردم. در فصل گرما به این نقطه مرزی رفته بودیم اما برف تا حدود ۵ متر هم روی زمین می‌نشست. جاده‌ها مسدود می‌شد و مرزبان‌هایی توانستند به راحتی رفت‌وآمد کنند. اغلب با هلی کوپتر جابه‌جایی‌ها صورت می‌گرفت. گاهی هم حتی امکان پرواز هلی کوپتر نبود.

با این همه سختی مرزبانی چرا قالب طنز را برای کتاب مرزبانی انتخاب کردید؟

در کنار سختی‌ها و مشقت‌های خدمت در مرز، گاهی اتفاقات شیرینی می‌افتاد که برای لحظاتی هم که شده لبخند بر چهره مرزبانان می‌نشست. عده‌ای در میان‌شان بودند که از خود مایه می‌گذاشتند و تلاش می‌کردند با شوخی‌های محترمانه حال رفقا را خوب کنند. البته گاهی هم اتفاقات

صفحاتی از تاریخ این مرز و بوم

در بخشی از کتاب «سیلوانا» می‌خوانیم: «ماشین که دور گرفت از دنده چهار رفتیم به پنج. در همین جین پرسیدم: «آقا صمد تا الان از دنده پنج استفاده کردی؟» با تعجب گفت: «مگه دنده ۵ هم داره؟» گفتم: «آره.» گفت: «واقعاً نمی‌دونستم.» دیدم موقعیت مناسبی است برای شوخی کردن، گفتم: «تا حالا استفاده نکردی؟ پس من دنده رو کم می‌کنم، با چهار میرم.» گفت: «باشه!» گفتم: «اگر اصلاً

استفاده نمی‌کنی از دنده پنج، پس بفروش!» گفت: «چقدر می‌خرند؟» گفتم: «حد اقل ۲۶۰ هزار تومان باید بخرن.» گفتم: «چه جالب، نمی‌دونستم. باشه، پس می‌فروشمش، چون اصلاً از دنده پنج استفاده نمی‌کنم.» احساس کردم او داره دسریه سرم می‌گذارد؛ اما نگاه کردم دیدم کاملاً جدی است؛ گفتم: «مرز که رفتم خونه می‌برم می‌فروشمش!» من دیگر حرفی نزدم...»



مرزبانی اعتکافی است که خواب ندارد

یکی از مراجع تقلید شیعیان، مرزبانی از کشور را نوعی اعتکاف خواند و گفت: مرزبانی و حفظ کشور در مقابل دشمن عبادت است. آیت‌الله العظمی جوادی‌آملی در این باره افزود: «اگر نظام اسلامی است و اعتکاف دارد که دارد این اعتکاف دو نوع است؛ اعتکافی که در مسجد است و معتکف روزه دارد و می‌خواهد اما مرزبانی نیز اعتکافی است که خواب ندارد. ایشان با بیان اینکه مرزبانی همان مرابطه است، اضافه کرد: «همه شهدا برای ما عزیزند اما آن شهدایی که در بالای کوه‌های کردستان ایستادند و برای حفظ مرزها یخ زدند و شهید شدند کارشان اعتکاف بود. مرزبانی از کشور هم نیت قصد قربت می‌خواهد و عبادت است بنابراین امر مستحبی است؛ اگر عده‌ای بودند واجب کفایی می‌شود و اگر کسی نبود واجب عینی است.» وی با اشاره به داستان حضرت سلیمان در قرآن و ماجرای که برخی از آن قضائش نماز ایشان را تفسیر کرده‌اند، اضافه کرد: «این موضوع که این نماز، نماز واجب بوده یا مستحب و حضرت سلیمان فضیلت را از دست داده یا اصل، نماز محل تأمل است و روشن نیست اما چون محتملاً قضائش نماز ایشان برای سان دیدن از نیروهای نظامی و ارتش خود برای مقابله با دشمنان بوده است ناشی از این است که وی اهمی را بر مهمی ترجیح داده است. نماز را می‌شود قضا کرد ولی حفظ مرزها که مورد تهدید دشمن است واجب است و گاهی مهم‌تر از رکن دین یعنی نماز است.»

